

## بیانیه دانشجویان سوسیالیست دانشگاه های ایران

### در آستانه ۱۶ آذر روز دانشجو

هرگز مبر ز یاد و بخوان  
در فتح و در شکست  
هر جا که دست داد  
سرود بزرگ را:

...  
آهنگ زنده ای  
کاندر شکست و  
بایست خواند و رفت  
بایست خواند و ماند!  
(الف بامداد)

یک سال و نیم از مبارزه و مقاومت پر هزینه دانشجویان در سطح دانشگاه ها به موازات مبارزات جاری در بطن جامعه ایران می گذرد و طی این مدت، سنگر آزادی مورد تعرض و تجاوز بی وقفه ارتجاع قرار داشته و تنفس در سطح دانشگاه ها با توجه به امنیتی- پادگانی فضای دانشگاه ها بیش از پیش دشوار شده است.

در بیانیه های قبلی مان به این نکته مهم اشاره کرده ایم که دوره جدیدی از مبارزات آزادی خواهانه و عدالت جویانه آغاز گردیده است که این مساله مستقیماً تحلیل ما از شرایط و استراتژی ما برای مبارزه را تحت تاثیر مستقیم خود قرار می دهد.

بدیهی است که بدنه جنبش دانشجویی بدنه یکپارچه ای نیست و بخشی از آن در سایه تلاش های بی وقفه جریانات لیبرال رفرمیست (سبز) و تشکل های رسمی شان که بیش از همه در انجمن های اسلامی و دفاتر تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه متبلور است، به زائده و پیش برنده سیاست های رهبران سبز در دانشگاه ها بدل گشته اند و از این بابت هزینه های گزافی را نیز به فعالین خود تحمیل نمودند. هزینه هایی که نه در خدمت یک جنبش آزادی خواهانه و عدالت طلبانه، بلکه مشخصاً در جهت منافع جناح بیرون گذاشته ای از حکومت بورژوا- اسلامی به آنان تحمیل گشته است. این در حالی است که سازشکاری و ناپیگیری سران سبز و ایادی داخلی و خارجی شان در مقاطع مختلفی از دوران مبارزات خیابانی مردم، بروز کرده بود و عملاً همدستی شان با جناح حاکم آنقدر روشن بود که نسبت به پیشرو بودن این جماعت در نمایندگی و پیگیری خواست ها مطالبات واقعی توده معترض به خیابان آمده، رفع توهم شود.

اما کماکان شاهد هستیم که علی رغم تلاش های مستمر لیبرال- رفرمیست ها برای ایجاد سرخوردگی از ادامه اعتراضات، نیروهای سیاسی در عرصه اپوزسیون راست و حتی چپ حضور دارند که مداوماً به توجیه سران سبز، بیانیه ها و مواضعشان پافشاری می کنند و در جنبش دانشجویی نیز، عملاً

می کوشند که با واسطه بازوهای اجرایی شان (که جدی ترین آنها دفاتر تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه هستند) سنت رزمندگی، ضد دیکتاتوری، ضد امپریالیستی و پیوستگی مبارزات دانشجویان با فرودستان و طبقه کارگر و زحمتکش جامعه را مخدوش کرده و به انحراف بکشانند.

بیانیه تحلیلی اخیر دفتر تحکیم وحدت در آستانه ۱۶ آذر روز دانشجو، "در خصوص راهبرد جدید فعالیت های دانشجویی" نیز دقیقاً در همین راستا منتشر گردیده است که در این دوره جدید که خصلت ها و الزامات مبارزه با دور قبلی آن ضرورتاً متفاوت خواهد بود، ذهنیت جنبش دانشجویی را با ارائه گزاره های کاملاً ایدئولوژیک بورژوازی، از وظایف مبرم و انکار ناشدنی خود منحرف نماید. این بیانیه با بر شمردن مواردی از جمله پرهیز از خشونت، عقلانی کردن و کنترل هزینه فعالیت های منتقدانه و مسالمت آمیز، خلق راه های جدید و پرنشاط و امید برای فعالیت، حفظ تشکل های شناسنامه دار، استفاده از پتانسیل شبکه های غیررسمی، ارتباط با فعالان دیگر دانشگاه ها و شبکه های اجتماعی-سیاسی و در نهایت تبلیغ و تاریخ سازی برای این تشکل دانشجویی شبه حکومتی، عملاً می کوشد که در دوران جدید پیش رو موارد خط سیاسی کاملاً ایدئولوژیک و منافع طبقاتی پس پشت آن را به عنوان گزاره هایی بدیهی به خورد بدنه دانشجویی ضربه دیده از سرکوب های سازمان یافته بدهند. راهبردهایی که دقیقاً در تمایز با آنچه ما نیروهای سوسیالیست، استراتژی دوره جدید می نامیم، عملاً در جهت توجیه خشونت سازمان یافته حکومتی و تئوریزه کردن انفعال و سرخوردگی پیامد آن، توجیه سازشکاری و سلب حق مشروع دفاع از خود، سرپوش گذاشتن بر روابط منحط با احزاب و جریانات حکومتی و شبه حکومتی که عملاً طی دو دهه اخیر نتیجه ای جز وابستگی و جیره خواری را برای بخش هایی از جنبش دانشجویی و در نتیجه عدم استقلال سیاسی آنان را در پی نداشته است، بستن باب شکل گیری تشکل های نوین و از پایین دانشجویی که بر اساس پلاتفرم های سیاسی منطبق با سنت جنبش دانشجویی شکل گرفته اند و هیچ سنخیتی با نهادهای دانشجویی حکومتی و شبه حکومتی سازشکار ندارند؛ این بیانیه عملاً به عنوان مکمل بیانیه های سران سبز و خط و خطوط و بیراهه ای که نشان می دهند قابل تعقیب است، کما اینکه سازمان ادوار تحکیم وحدت با صراحت و وقاحت بیان می دارد: "... آذر این سال ها دیگر سرخ نیست... آذر این سالها سبز است و سبز یعنی تحمل، آگاهی، صبر، استقامت، نستوهی و بخشش... یعنی مدارا، یعنی حق گویی یعنی حقیقت جویی و یعنی خواستن روزگار نیک و شرافتمندانه برای هر کس و همه کس و جنبش دانشجویی امروز حاملان اصلی تمامی این مفاهیم والا و زیباست..."

در تقابل با این استراتژی رفرمیستی و تا مغز استخوان سازشکارانه سوسیالیست ها همواره به عنوان یک آلترناتیو جدی و پیگیر خود را مطرح کرده اند که با توجه به عینیت موجود، برنامه و استراتژی سیاسی شان بیشترین انطباق را با شرایط موجود دارد و بیش از هر جریان دیگری می کوشند بر مبنای نیازها و خواست های واقعی فرودستان و زحمتکشان و اقلیت هایی که حقوقشان تاریخاً پایمال شده است، مبارزه علیه وضعیت موجود و نظم ضد انسانی مستقر را سازمان دهند.

در جنبش دانشجویی نیز چپ ها و سوسیالیست ها، چندین سال به مثابه بدیل گرایشات راست و رفرمیست در عرصه حضور داشتند تا آن دم که توسط قوای سرکوب گر حکومتی و هم دستان شبه حکومتی و برون حکومتی شان که برای سرکوب چپ دانشجویی لحظه شماری می کردند، به شدت ضربه خورده و دچار محدودیت شدند.

اما بدون شک چپ دانشجویی از آن جا که ریشه در عینیات جاری و واقعیت های موجود دارد و به منافع اکثریت عظیم تحت ستمی در جامعه ارجاع می دهد، ریشه دار و سنّت دار در بستر دانشگاه است. به خصوص با توجه به این که دوره پیش رو حامل ویژگی ها و خصیصه هایی است که ضرورتاً تنها یک نیروی پیشرو چپ و سوسیالیست می تواند پرچمدار مبارزه در شرایط کنونی باشد. ما پیش شرط این مبارزه بدون شک تحلیلی از شرایط سیاسی-اقتصادی کنونی است.

مساله گره خوردن مطالبات اقتصادی با بحران سیاسی حکومتی که در یک سال و اندی اخیر شدت گرفته است، ویژگی دوره پیش رو است. با توجه به شرایط اقتصادی ویژه ای که وجود دارد و در پیوند با بحران سیاسی موجود، وضعیت معیشتی مردم روز به روز وخیم تر می شود و سیاست های

نئولیبرال دولت در اقتصاد فقر و فلاکت فزاینده ای را در پرتو تورم، بیکاری و گرانی به طور روزانه بر مردم و به ویژه طبقه کارگر و زحمتکشان تحمیل می نماید که عمیقا و صفا ناپذیر است. این در حالی است که رهبران سبز از جمله میرحسین موسوی عملا سرکوب هرگونه اعتراضی علیه وضعیت ناگوار معیشتی به دست حکومت را به رسمیت شناخته اند و حکومت نیز طبعا پا فرا تر گذارده و در درون آن بحث هایی حول تعیین اشد مجازات اعدام برای معترضین به طرح هدفمند سازی پارانه ها و راه اندازی اردوگاه کار اجباری برای کسانی که به اسم ارادل و اوباش (بخوانید مردم معترض) دستگیر می شوند، در جریان است.

سازشکاری اصلاح طلبان و رهبران سبز بر کسی پوشیده نیست و دقیقا از این جهت است که دانشگاه باید به عنوان سنگری علیه هرگونه ممانشات و سازشکاری حفظ شود. از آن جایی که هر گونه مبارزه صنفی در دانشگاه مستقیما بدل به مبارزه ای سیاسی می شود، از آن جایی که ماهیت و سنت جنبش دانشجویی ضد دیکتاتوری، ضد امپریالیستی، ضد بی عدالتی، ضد ستم جنسی و هر گونه ستمی علیه اقلیت هاست، از آن جایی که چپ دانشجویی بارها خود را به درستی به عنوان متحد جنبش طبقه کارگر اعلام کرده است و اصولیت خود را از منظر جایگاه خود در بطن مبارزه طبقاتی جاری سنجیده است، و از آن جایی که هیچ مبارزه ای برای کسب حداقلی ترین حقوق سیاسی و دموکراتیک بدون پیشروی جنبش طبقه کارگر میسر نیست، از این روست که در شرایط ویژه ای که چندی است آغاز گردیده است، سیاست سوسیالیست ها در جنبش دانشجویی نیز در تمایز و تقابل مستقیم با سیاست های سبزها (لیبرال- فرمیست ها) تعریف می شود.

آنچه که اکنون می توان وظیفه همه سوسیالیست ها در جنبش های اجتماعی و به ویژه در جنبش کارگری شمرد، مساله شکل دادن به یک رهبری کارگری-سوسیالیستی سیاسی برای این مجموعه مبارزات به هم پیوسته است و روشن است که از این رو بحث تشکل یابی و نیز عملیاتی کردن پیوستگی مبارزات جوانان و دانشجویان با مبارزات جنبش طبقه کارگر، و هماهنگی رهبران عملی جنبش دانشجویی و رهبران عملی طبقه کارگر از ضرورتی انکارناپذیر برخوردار است. دانشجویان چپ و سوسیالیست باید برای شرایط جدید قدم های جدی به سوی سازمان یابی های نوینی بردارند که به لحاظ سبک کاری طبعا با گذشته تفاوت هایی دارد. استراتژی ما در دوره جدید نیاز به تاکتیک های متناسب با پیشبردن این استراتژی ها نیز دارد.

۱۶ آذر این سال نیز چون هر سال خونین و سرخ است... در کوران مبارزات، سنگر آزادی بهای بسیار پرداخته است... عزیزانمان در بحبوحه مبارزات به خون نشستند و جایشان در نیمکت های کلاس خالی است... اکنون رفقا و هم دانشگاهی های بسیاری در زندان داریم، با اتهاماتی واهی و احکامی سنگین... اخراج ها و تعلیق ها و انواع محرومیت های تحصیلی که از شمار خارج اند... به احترام همه خون های ریخته و برای آن که به ارتجاع حاکم بار دیگر نشان دهیم که حلقه های این زنجیر از هم نگسسته اند، در ۱۶ آذر امسال نیز، مشت هایمان را گره خواهیم کرد و فریاد انسانیت را در سراسر دانشگاه های ایران سر می دهیم!

زنده باد جنبش دانشجویی پیشرو و آگاه به منافع کارگران و زحمتکشان!

زنده باد مبارزه متحد جنبش دانشجویی و کارگری

زنده باد سوسیالیسم

دانشجویان سوسیالیست دانشگاه های ایران

۱۶ آذر ۸۹